

جنبش تنباکو؛ سرآغاز مشروطه‌خواهي

مقدمه

سلسله‌ي قاجار در طول حيات خود داراي مشکلات عديده‌اي بود که از ميان آنها، مشکل استبداد و انحطاط اقتصادي از همه شاخص‌تر بود. قجرها که از يك سو با نفوذ استعمار انگليس و از سوي ديگر با شکست‌هاي ايرانيان از روسيه رو به رو شده بودند، پيوسته تحت تأثير بيگانگان قرار داشتند. در اين بين رقابت سنتي انگليس و روسيه براي به دست آوردن امتيازات گوناگون در ايران به ويژه در دوران ناصرالدين‌شاه، به اوج خود رسيد. مسافرت‌هاي شاه به خارج از کشور که اغلب به دليل آشنائي وي با تجدد و شيوه‌هاي نوين حکومت‌داري صورت مي‌گرفت، به دليل فراهم نمودن هزينه‌هاي سفر، معمولاً با اعطاي امتيازات بزرگي نيز به روس و انگليس همراه بود.

اعطاي امتياز انحصار محصول توتون و تنباکوي ايران از مرحله‌ي کشت تا فروش در داخل و خارج کشور به مدت پنجاه سال به يك شرکت انگليسي از سوي ناصرالدين‌شاه، تبعات و پيامدهاي زيادي را در ايران به همراه داشت و با مخالفت‌هاي شديد علما، بازرگانان و برخي از دولتمردان مواجه شد. در اين بين حکم تحريم استعمال توتون و تنباکو از سوي مرجع بزرگ شيعيان ميرزا حسن شيرازي، اعتراض عمومي بي‌نظيري عليه حکومت بوجود آورد که پيامدهاي ناگوار واگذاري امتياز دخانيات ايران به بيگانگان را از ميان برد.

از اين رو مي‌توان تحريم تنباکو را که در سال 1275 خورشيدي (1309 ه. ق) در پي حکم آيت‌الله ميرزاي شيرازي شکل گرفت، به عنوان سرسلسله جنبش‌هاي آزادي خواهانه در تاريخ معاصر ايران به شمار آورد. چرا که مخالفت با واگذاري امتياز تجارت تنباکو به بيگانگان، بسترهاي همراهي تجددخواهان و روحانيون را در کنار مردم بوجود آورد و آنها را به قيام عليه استبداد داخلي و استعمار خارجي ترغيب نمود. بنا بر اين در نوشتار حاضر ضمن مرور اجمالي اوضاع اقتصادي ايران در زمان قاجار، به شرح چگونگي اعطاي امتياز انحصار توتون و تنباکو به تالپوت خواهيم پرداخت و مخالفت علما و اوج‌گيري مخالفت‌هاي مردمی و نقش ميرزاي شيرازي را به عنوان مرجع عالي‌قدر جهان تشيع در جنبش تنباکو مرور خواهيم نمود. در ادامه به چگونگي لغو امتياز تنباکو و پايداري روحانيون و مردم در اين حرکت بزرگ خواهيم پرداخت و ضمن بررسي پيامدها و تبعات جنبش تنباکو، در نهايت با نتيجه‌گيري، بحث حاضر را خاتمه خواهيم بخشيد.

اوضاع اقتصادي ايران در زمان قاجار

کشور ايران در عصر قاجار از لحاظ اقتصادي اوضاع آشفته‌اي داشت که بخشي از آن به نظام استبدادي باز مي‌گشت که نظام اقتصادي را نيز به صورت خانخاني، تيو لداري و اقطاع‌داري اداره مي‌کرد. بر اين اساس کشور به بخش‌هاي نيمه مستقلي تقسيم شده بود که در آن خان‌ها مي‌توانستند راه‌هاي تجاري را ببندند، از کاروان‌ها باج بگيرند و بدین ترتيب موانع رشد و پيشرفت تجاري را فراهم سازند. در اين سيستم که تضعيف حکومت مرکزي، مساوي با استقلال بيشتري بخش‌هاي نيمه مستقل بود، ايران به صورت کشوري عقب‌مانده و مبتني بر محصولات کشاورزي درآمدی بود که بيش از 80 درصد جمعيت آن در روستاها و ايالات براساس نظام ار باب - رعيتي به سر مي‌بردند.

بر اساس اين نظام که زمين‌داران بزرگ بهره‌ناچيزي از سهم توليدات کشاورزي خود را به رعيت مي‌دادند، راه‌هاي توليدات فراوان اقتصادي و پيشرفت نيز سد مي‌گشت؛ چرا که گردش آزاد سرمايه وجود نداشت و اقتصاد کاملاً جنبه معيشتي يافته بود. اين وضع نابسامان در کشاورزي، وقتي با ماليات‌هاي مضاعف و ظلم و ستم‌هاي فراوان همراه مي‌شد، شکل بسيار اسفباري را در روستاها ايجاد مي‌کرد.¹

در واقع بی عدالتی‌های اقتصادی، فاصله طبقاتی، کاهش دستمزد کارگران و تنزل ارزش پول که در نارضایتی اقتصادی مردم مؤثر بودند، به همراه زوال اکثر صنایع دستی، تبدیل بافندگان فرش به کارگرانی که برای دستمزد ناچیزی کار می‌کردند، تنزل بهای صادرات ایران در مقابل بهای واردات از اروپا و افت وحشتناک قیمت نقره که پول رایج ایران بود، نارضایتی عمومی را در میان مردم افزایش داده بود. بنابراین از یک سو جا به جایی‌های اقتصادی و سیاسی که در اثر تماس با غرب در ایران به وجود آمده بود، به نارضایتی روز افزون اقتصادی مردم دامن می‌زد و از سوی دیگر ضعف و ناتوانی دولت باعث حضور و نفوذ گسترده‌ی ممالک قدرتمند اروپایی در ایران شده بود. به طوری که نفوذ انگلستان و روسیه در ایران به انحاء مختلف به چپاول اموال و دارایی‌های ملی ایرانیان انجامیده بود.

امتیاز بانک شاهنشاهی، بانک استقراضی، تلگراف هند و اروپا، کشتیرانی در کارون، تأسیس قزاق‌خانه، شیلات خزر، انحصار دخانیات و ... که عمدتاً به روس و انگلیس اعطا شده بود، کشور را تا مرز مستعمره شدن پیش بردند. در این بین انگلستان که در دهه‌ی 1850 به عنوان بزرگ‌ترین طرف تجاری ایران، بیش از 50 درصد صادرات و واردات ایران را در دست داشت، در دوره‌ی پنجاه ساله‌ی مابین 1863 تا 1914 رشته امتیازهایی نیز در مورد بهره‌برداری یا انحصار مواد خام و توسعه‌ی زیربنایی از دولت ایران دریافت نمود.

این کشور در پایان سفر اول ناصرالدین‌شاه به فرنگ در سال 1872، از طریق یکی از اتباع خود به نام بارون جولوس روتیر، امتیاز احداث راه‌آهن، خطوط تلگراف، کشتیرانی در رودخانه‌ها، بهره‌برداری از معادن و جنگل‌های دولتی و کارهای زهکشی و آبیاری (احداث قنوت) ایران را به مدت هفتاد سال دریافت نمود. همچنین بریتانیا موفق شد که روتیر را در آینده برای گرفتن امتیاز بانک، احداث جاده‌ها، خیابان‌ها و ایجاد کارخانه‌ها بر سایرین مقدم سازد. این امتیاز که پس از پرداخت رشوه‌های کلان به شاه و صدراعظم وی (مشیرالدوله سپهسالار) واگذار شده بود و تقریباً تمام منابع مهم ایران را به روتیر واگذار می‌کرد، از سوی لرد کرزون به «اعطای سند مالکیت ایران و تسلیم کامل همه منابع یک دولت به خارجی‌ها» تعبیر شد که مانند آن را کسی هرگز ندیده است.

به هر روی امتیاز روتیر که ادامه‌ی روند اعطای امتیازات به بیگانگان در دوره‌ی قاجار بود، در نهایت با امتیاز انحصار تجارت توتون و تنباکو ادامه پیدا کرد. با این تفاوت که در جریان اعطای امتیاز انحصار توتون و تنباکو، مردم ایران به رهبری علماء و روحانیون به پا خاستند و از حقوق حقه‌ی خود دفاع کردند.

امتیاز تجارت توتون و تنباکو

اندیشه‌ی انحصار تجارت توتون و تنباکو را نخستین بار محمدحسن خان اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات ناصرالدین‌شاه مطرح کرد. وی در جمادی الاخر 1303 پیشنهادی در نه فصل و با عنوان «قانون اداره‌ی انحصاریه تنباکو و توتون و متفرعات آن» به ناصرالدین‌شاه عرضه نمود که البته با بی‌توجهی شاه مواجه گردید. یک سال بعد اعتمادالسلطنه در نامه‌ی دیگری که در سی فصل تهیه شده بود، مسئله‌ی دریافت مالیات از عایدات دخانیات را برای ازدیاد عواید کشور تنظیم کرد. علی‌رغم آنکه ناصرالدین شاه قانون فوق را مورد تصویب قرار داد، به سبب مخالفت علما و بی‌میلی امین‌السلطان - صدراعظم که به دستور شاه عهده‌دار اجرای آن بود - هرگز تحقق نیافت. 3

سه سال پس از وقایع فوق و در پی سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا در سال 1269 ه. ش که به تشویق وزیر مختار انگلیس در ایران، سرهنری درومند ولف انجام گرفته بود، دولت انگلیس فرصت مناسب را برای کسب امتیاز انحصار توتون و تنباکو به دست آورد و زمینه‌سازی آن را به مازور جرالد تالبوت از نزدیکان و مشاوران لرد سالیسبوری (نخست‌وزیر و وزیر خارجه‌ی انگلیس) محول کرد. تالبوت نخستین مذاکره درباره‌ی انحصار تجارت توتون و تنباکو را در شهر برایتون با اعتمادالسلطنه آغاز کرد و

پس از کسب اطلاعات کافی در این زمینه، امین‌السلطان را با دادن وعده‌های فراوان متقاعد کرد که او نیز موافقت شاه را در ازای دریافت سالانه 25 هزار لیره جلب نماید. 4

ناصرالدین شاه که برای تأمین هزینه سفرهای خود به اروپا با مشکلات مالی مواجه بود، با اعطای امتیاز موافقت کرد و پس از مراجعت به ایران در رجب 1307 ه. ق (مارس 1890 میلادی) قراردادی را با تالبوت - که با کمک دولت و عده‌ای از سرمایه‌داران انگلیسی، کمپانی رژی را با سرمایه‌ای 650 هزار لیره تأسیس کرده بود - منعقد نمود. 5 بدین ترتیب در 28 رجب 1307 (20 مارس 1890) امتیاز تجارت توتون و تنباکو به مدت پنجاه سال به تالبوت اعطا گردید. این امتیاز که به امضای شاه و سرهنگری ولف رسید، دارای پانزده فصل بود که حکایت از اختیارات تام تالبوت در امور دخانیات ایران و بی‌اعتنایی به منافع ملت ایران داشت. مطابق با این قرارداد، شرکت رژی متعهد می‌گردید که در ازای انحصار خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران به مدت پنجاه سال، سالانه مبلغ 15 هزار پوند استرلینگ به همراه یک چهارم سود خالص خود را به شاه بپردازد.

بنابراین با انعقاد این قرارداد، تولیدکنندگان و فروشندگان داخلی نیز استقلال خود را از دست داده و برای فروش توتون و تنباکو باید از شرکت خارجی اجازه می‌گرفتند.

کمپانی رژی در آغاز به صورت ناشناخته به فعالیت می‌پرداخت. هنگامی که به استناد فصل نهم امتیازنامه - که صاحب امتیاز را مجاز به واگذاری حقوق خود به دیگری می‌کرد - امتیاز خود را به «شرکت شاهنشاهی تنباکوی ایران» فروخت، 6 با مخالفت‌های گسترده‌ای از سوی مردم و روحانیون مواجه شد.

در این زمان انتشار اعلامیه‌ای رسمی از سوی دولت که واگذاری امتیاز تنباکو را تذکر می‌داد و در عین حال به زارعین توتون و تنباکو نیز وعده‌ی خرید عادلانه و نقدی محصولات آنها را می‌داد، موج گسترده‌ای از ناراضی‌تبی را دامن زد. 7

در سال 1890، روزنامه فارسی زبان اخترکه در عثمانی منتشر می‌شد، طی مصاحبه‌ای با تالبوت، تفاوت فاحش امتیاز دخانیات ایران را با امتیازی که کمپانی رژی از عثمانی گرفته بود، یادآور شد و ضمن انتقادهای گسترده از دولت، تبعات و پیامدهای قرارداد را برای مردم ایران روشن ساخت. 8

با توجه به این مطلب که توتون و تنباکو از مهمترین اقلام تجاری و صادراتی ایران بود و حدود دوپست‌هزار تن به کشت و خرید و فروش آن اشتغال داشتند، 9 بنابراین انحصار خرید و فروش این محصول به یک شرکت انگلیسی منافع بسیاری از مردم ایران را به خطر می‌انداخت. به همین سبب نخستین اعتراض‌ها را تاجران دخانیات آغاز کردند که تجارتشان مستقیماً در معرض تهدید کمپانی رژی بود. در آغاز عده‌ای از بازرگانان به همراه امین‌الدوله نزد شاه رفتند و به انحصار تجارت تنباکو اعتراض کردند. 10

این اعتراض موجب شد که دولت به انگیزه‌ی دلجویی از آنان مهلت شش ماهه‌ای برای فروش ذخایر توتون و تنباکوی تاجران قابل شود. 11 با این حال مهلت فوق نیز نمی‌توانست خسارات ناشی از واگذاری امتیاز را جبران سازد.

در این بین روس‌ها نیز که در منطقه‌ی ساوجبلاغ به کشت تنباکو اشتغال داشتند به امتیاز فوق اعتراض کردند و آن را ناقض عهدنامه‌ی ترکمان چای خواندند و خواستار لغو آن یا عقد قرارداد مشابهی شدند. 12

به هر روی علاوه بر دلایل سیاسی - اقتصادی، عوامل فرهنگی - مذهبی نیز در آغاز جنبش تنباکو دخیل بودند. حضور فرهنگ استعماری و گسترش فساد، تهاجمی بود که به تبع حضور عینی اجانب در ایران صورت می‌گرفت.

پس از آنکه شرکت رژی حدود 200 هزار از اتباع دولت بریتانیا و مستعمرات آن را به عنوان کارکنان

شرکت به ایران آورد و به شهرهای مختلف فرستاد، زنگ هشدار برای ایرانیان به صدا درآمد. چرا که با حضور آنها در حدود 100 هزار مبلغ مسیحی وارد ایران شدند و ضمن بنای کلیسا در مناطق مختلف، دختران ایرانی را نیز به امور پرستاری در بیمارستان‌ها و بی‌حجابی واداشتند. در تهران و اکثر شهرها مراکز فساد برپا کردند و کافه‌هایی با انواع وسایل قمار و رقص‌های محلی و مشروبات الکلی پدید آوردند. علاوه بر این، انگلیسی‌ها هر جا که می‌رفتند، سوار، اسب، اسلحه و مزدور اسلحه به دست خود را نیز می‌بردند و این همان شیوه‌ای بود که انگلیسیان در تصرف هند و ایجاد کمپانی هند شرقی و سپس حضور نظامی به بهانه حفظ امنیت این کمپانی و در نهایت مستعمره نمودن هند به کار گرفته بودند. 13

از این رو اقدامات فوق عالمان دینی را به دلیل متزلزل شدن اساس دین و استقلال کشور توسط قدرت بیگانه و مغایرت امتیازات با قرآن مجید (قاعده‌ی نفی سبیل)، به تحریم تنباکو ترغیب نمود. در واقع دلیلی اصلی مخالفت علما با این امتیاز، افزون بر جنبه‌ی تجاری آن و اختلال در نظام بازرگانی کشور، نگرانی از نفوذ تدریجی و سلطه‌ی کامل بیگانگان بر ایران بود که از تجربه‌ی کمپانی هند شرقی ناشی می‌گردید. 14 به همین سبب مردم مسلمان ایران با این اندیشه که انگلیسی‌ها قصد دارند، کمپانی رژی را به کمپانی هند شرقی و ایران را همانند هند به مستعمره‌ی خود تبدیل کنند، به مخالفت گسترده پرداختند.

مخالفت علما و اوج‌گیری مخالفت‌ها

نهاد مرجعیت شیعه به سبب تقیدی که به آیه نفی سبیل داشته و دارد، همواره طرح‌هایی را به اجرا گذاشته که به استقلال کشور کمک کرده است. در طول تاریخ، علمای شیعه که نمی‌توانستند شاهد فروپاشی اقتصاد ملی و وابستگی مسلمین به بیگانگان باشند، همواره در جهت مقابله با تهدید اقتصاد ملی، قدم‌های عملی ویژه‌ای نظیر تحریم خرید کالاهای بیگانه و تحریم مردم به استفاده از امتعه وطنی و ملی برداشته‌اند. 15 علی‌الخصوص که شیعیان با دیدگاه ترجیح عدالت بر امنیت، قیام علیه حاکم جائز را روا می‌دارند و به این ترتیب روحیه ظلم‌ستیزی مضاعفی را میان مردم بوجود می‌آورند. این روحیه سبب حمایت و طرفداری مردم از علما و روحانیون، به عنوان تنها مأمون و پناهگاه شده است که نمونه‌های بارز آن را می‌توان در فتاوای جهاد در جنگ ایران و روس و حکم تحریم تنباکو مشاهده نمود.

از سوی دیگر جهل و بی‌سوادی عمومی که ریشه در استبداد داشت و موجب سکوت مردم در برابر اقدامات حکام قاجار می‌شد، از اواسط دوره قاجاریه با تأسیس حوزه‌های دینی در شهرهای بزرگ تا حد زیادی مرتفع گشت. در این هنگام روحانیون به عنوان تنها منبع آگاهی بخش به ملت ایران، زمینه‌های ارتباطی منظمی به وجود آوردند که این امر در نهایت مؤلفه‌های دینی - فرهنگی قیام‌های گوناگونی را فراهم ساخت. در واقع حضور علمای دین در کنار مردم موجب آگاهی بخشی به آنان می‌شد، زیرا مردم تنها به تعالیم اسلامی و کلام روحانیون توجه می‌کردند. به طوری که مخالفت علما با اعطای امتیاز به کمپانی رژی بر شدت اعتراض‌های مردمی تأثیر بسزایی گذاشت و در واقع با ید نقطه‌ی آغاز جنبش تنباکو را لحظه‌ی آغاز مبارزه‌طلبی روحانیت بر علیه امتیاز به شمار آورد.

از این رو نخستین اعتراض‌ها به رهبری روحانیت، توسط سیدعلی‌اکبر فال‌اسیری از علمای برجسته شیراز آغاز شد. این اعتراض که هم‌زمان با ورود مأموران انگلیسی رژی به شیراز به تعطیلی بازارها و اجتماع مردم در مساجد انجامید، رژیم را برای مقابله به دستگیری و تبعید سیدعلی‌اکبر فال‌اسیری و گلوله‌باران مردم واداشت. علیرغم تمام خشونت‌های حکام، مقاومت مردمی ادامه یافت و قیام مردم شیراز به تبریز، مشهد، اصفهان، تهران و دیگر نقاط ایران گسترش یافت.

در تبریز، مردم به رهبری آیت‌الله حاج میرزا جواد آقامجتهد تبریزی به مقابله با قرارداد برخاستند و ضمن کندن و پاره نمودن اعلامیه‌های کمپانی از روی دیوارها و معابر عمومی، از پذیرفتن خارجیان نیز خودداری کردند. مردم تبریز که با خشونت حکومت مواجه شدند، بیگانگان را تهدید به قتل در روز عاشورا کردند. در این بین رژیم برای خاموش کردن شعله‌های قیام، تصمیم به ایجاد تفرقه در صفوف روحانیون گرفت که در نهایت از این حربه نیز سودی نبرد. کمپانی رژمی نیز که اوضاع تبریز را نامطلوب می‌دید، حاضر به پذیرش تمام مأموران و کارکنان خود از میان ایرانیان و مسلمانان شد که این امر هم نتیجه‌ای در پی نداشت.

در این میان اصفهان که تجار و علمای آن همکاری بیشتری داشتند به رهبری سه عالم مجاهد، حاج شیخ محمدتقی (آقاجفی)، شیخ محمدعلی و ملاباقر فشارکی به مخالفت با قرارداد مزبور پرداختند. علمای اصفهان برای اولین بار در منطقه خود استعمار دخانیات و تنباکو را تحریم و کارکنان رژمی را نجس اعلام کردند. بدین ترتیب تولیدکنندگان تنباکو، محصول خود را یا به آتش کشیدند و یا در بین فقرا تقسیم کردند و از معامله با کمپانی رژمی خودداری ورزیدند. حاکم اصفهان برای لغو این حکم با علما مذاکره کرد، اما با مخالفت آنان روبرو شد. فشار روز افزون بر علما بسیاری از آنان را وادار به ترک اصفهان کرد که از آن جمله می‌توان به مهاجرت آقا منیرالدین بروجردی اصفهانی اشاره نمود که شبانه به عراق و نزد میرزای شیرازی هجرت کرده بود. 16

هم‌زمان با سایر شهرها نارضایتی در تهران نیز آشکار شد. میرزا حسن آشتیانی از علمای بزرگ تهران بارها با شاه و امین‌السلطان ملاقات و مضار امتیاز را گوشزد کرد، ولی آنان به این بها نه که امضای شاه معتبر و طرف مقابل نیز دولت انگلیس است به این اعتراض‌ها وقعی ننهادند. 17 در این ایام سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز که به دعوت ناصرالدین شاه در تهران به سر می‌برد، به مخالفت علنی با امتیاز پرداخت و در پی صدور اعلامیه‌ای بر در مساجد، کاروانسراها و سفارتخانه‌ها با این مضمون که «به چه حقی خرید و فروش تنباکویی که خریدار و مصرف کننده‌ی آن ایرانی است به بیگانه واگذار شده است»، از ایران اخراج شد. 18

علی‌رغم تمام مخالفت‌ها و ناآرامی‌ها، شاه و امین‌السلطان، ملت را نادان و غیر مطلع از جریانات خواندند و به اعمال پیشین خود ادامه دادند. از این رو علما چاره‌ی کار را در آن دیدند که به میرزا محمدحسن شیرازی، مرجع تقلید وقت که در سامرا ساکن بود، متوسل شوند.

میرزای شیرازی، صاحب فتوای تحریم تنباکو

میرزا محمدحسن بن میرزا محمود بن محمد اسماعیل حسینی شیرازی از علمای عالی‌قدر شیعه در پانزدهم جمادی الاول سال 1230 هـ. ق در شیراز دیده به جهان گشود. وی در دوران طفولیت، پدر خویش را از دست داد و داییش سید حسین معروف به مجدالاشرف عهده‌دار سرپرستی او گردید. میرزا پس از طی مقدمات علوم در حوزه‌های علمیه شیراز و اصفهان به عراق رفت و در سال 1259 هـ. ق وارد کربلا شد. وی در این ایام در کلاس درس آیت‌الله سیدابراهیم صاحب ضوابط شرکت جست و پس از آن عازم نجف شد و در حوزه‌های درس علما و اساتیدی چون صاحب جواهر و صاحب انوارالفقاهه حاضر شد. پس از فوت صاحب جواهر به سلك شاگردان شیخ انصاری اعلی‌الله مقامه الشریف درآمد. 19

هنگامی که در سال 1281، شیخ مرتضی انصاری دار فانی را وداع گفت، تمام شاگردان شیخ بر تقدیم میرزای شیرازی اتفاق کردند و وی را به عنوان مرجع عالی‌قدر جهان تشیع برگزیدند. وی که حدود بیست و سه سال مرجع شیعیان جهان بود، در سال 1291 هـ. ق در سامره اقامت گزید و در آنجا به تدریس و تعلیم مشغول گشت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد که از میان آنها می‌توان به آخوند

ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، حاج آقا رضا همدانی، حاج میرزا حسین سبزواری، سید محمد فشارکی رضوی، میرزا محمد تقی شیرازی و ... اشاره کرد. وی همچنین آثار گرانبهایی نیز از خود بر جای گذاشته است که از آن جمله می‌توان به رسالاتی مبسوط در ابواب مختلف فقهی، حاشیه‌ای بر نجات العباد و تعلیقه‌ای بر کتاب معاملات آقا وحید بهبهانی اشاره کرد. میرزای بزرگ شیرازی که سرانجام در روز بیست و چهارم شعبان 1312 هـ. ق رحلت کرد، علاوه بر آنکه مرجعیت بلامنازع شیعه و عالم اسلام را بر عهده داشت، یکی از بزرگترین جنبش‌های مذهبی علیه ظلم و فساد حاکم و استعمار را در ایران پایه‌گذاری نمود. از این رو آنچنان نام میرزای شیرازی و جنبش تحریم تنباکو با هم و با تاریخ معاصر ایران عجین شده است که جدا کردن آنها از یکدیگر امری ناممکن به نظر می‌آید.

میرزای شیرازی از همان ابتدا به واسطه‌ی نامه‌هایی که از علمای ایران دریافت می‌کرد و از طریق اخباری که سیدعلی اکبر فال اسیری و آقا منیرالدین بروجردی به وی می‌دادند، از اعطای امتیاز انحصار تجارت تنباکو و پیامدهای آن مطلع شده بود. از سوی دیگر سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز که در بصره در تبعید به سر می‌برد، طی نامه‌ای درباره‌ی مظالم شاه به میرزای شیرازی نوشت و در آن مسئولیت بزرگی را که علمای دین در دفاع از حقوق مسلمانان دارند، یادآور شد. 20 از این رو میرزای شیرازی، هم زمان با شروع ناآرامی در تبریز در اول ذیحجه سال 1308 هـ. ق با ارسال تلگراف مفصلی به شاه، ضمن اشاره به مضار و مفسد اجازه مداخله خارجی‌ها در ایران به اعطای امتیازات نیز توجه نمود و همه آنها را منافی صریح قرآن، نوامیس الهیه و استقلال ایران خواند. شاه به تلگرام میرزا پاسخ نداد و برای توجیه اقدامات دولت و ذکر دلایل اعطای امتیاز و مشکلات ناشی از لغو آن، میرزا محمود خان مشیرالوزاره کارپرداز ایران در بغداد را نزد میرزای شیرازی در سامرا فرستاد. مشیرالوزاره ضمن اشاره به ضرورت قربانیت با دول بزرگ اروپا برای استخلاص از روسیه تزاری، لزوم تقویت بودجه و قشون و رفع نقائص و کمبودن مالیات‌ها، موهن بودن الغای قرارداد از نظر بی‌اعتبار شمرده شدن امضای پادشاه و ... صراحتاً از ناتوانی دولت در فسخ امتیاز و خسارات هنگفت این اقدام سخن گفت.

با این حال میرزا در پاسخ تمام این تشبثات، تنها بر این نکته تأکید کرد که فقط باید به ملت مسلمان تکیه کرد و «دولت اگر از عهده جواب بیرون نتوان آید ملت از جواب حسابی عاجز نیست» 21 و «اگر دولت از عهده بر نمی‌آید، من به خواست خدا آن را بر هم می‌زنم.»

به هر روی شاه و دربار، وقعی به گفته‌های میرزا ندادند و تصمیم گرفتند که با سیاست دفع‌الوقت، به تدریج مردم و علماء را از توجه به مسأله تنباکو منصرف سازند؛ اما دادخواهی بی‌وقفه مردم و بی‌اعتنایی شاه به تلگرام میرزای شیرازی سبب صدور تلگرامی دیگر به شاه شد که آن نیز بی‌حاصل بود. سرانجام وقت‌گذرانی شاه و اعوان و انصارش در ارائه پاسخی متین و صحیح، میرزای شیرازی را به صدور حکم تحریم استعمار توتون و تنباکو واداشت.

در اواخر ربیع‌الثانی 1309 در تهران شایع شد که حکمی از میرزای شیرازی در باب تحریم استعمال دخانیات صادر و به اصفهان مخابره شده است. در اوایل جمادی‌الاولی با رسیدن محموله‌ی پستی به تهران صورتی از حکم درمیان مردم منتشر شد با این توضیح که نسخه‌ی اصلی آن را فقط میرزا حسن آشتیانی مشاهده کرده است. متن حکم چنین بود: «بسم‌الله الرحمن الرحیم الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه‌السلام است. حرره الاقل محمدحسن الحسینی.» 22

از صدور حکم تا لغو امتیاز

بلافاصله پس از صدور فتوا، مأموران حکومت وظیفه یافتند که از انتشار این حکم و آگاهی مردم نسبت به آن ممانعت به عمل آورند، با این حال در همان نیمه‌ی روز اول که حکم به دست میرزا آشتیانی رسیده بود، در حدود صد هزار نسخه از حکم نوشته و در سراسر کشور پخش شده بود.

با صدور این فتوا، مردم از همه‌ی اصناف، مبارزه سیاسی علیه قرارداد استعماری امتیاز تنباکو را یک وظیفه شرعی و تکلیفی الهی دانستند و قلیان‌ها را شکسته و توتون و تنباکو را به آتش کشیدند. در این بین حتی اندرونیان حرم‌سرای شاهنشاهی نیز از استعمال دخانیات پرهیز کردند. به نحوی که «انیس‌الدوله»، سوگلی ناصرالدین‌شاه دستور جمع‌آوری قلیان‌ها را صادر نمود. بدین ترتیب شاه که حتی در اندرونی خویش نیز شاهد شکسته شدن قلیان‌ها و تحریم توتون و تنباکو بود، برای آنکه مبادا کسی از دستورش سرپیچی نماید و به احترامش لطمه‌ای وارد آید، به هیچ یک از نوکران خود دستور آوردن قلیان را نمی‌داد.

این حرکت همگانی و تبعیت آشکار مردم از حکم میرزای شیرازی، اولیای دولت را بر آن داشت که به منظور ایجاد خلل در رفتار معترضان‌هی مردم، شایعه‌ی جعلی بودن حکم را مطرح سازند. از این رو با مساعدت و عاظ‌السلطین و معممین دربار به شایعه جعلی بودن فتوی دامن زدند و حاج‌محمد کاظم ملک‌التجار را منشأ جعل حکم معرفی و او را به قزوین تبعید کردند. اما این اقدامات نیز تأثیری در روند قضایا نداشت و شاه و دربار را ناگزیر به سمت تفرقه‌افکنی میان علما کشاند. از این رو شاه و امین‌السلطان به میرزای آشتیانی روی آوردند و از او خواستند که چون او نیز همانند میرزای شیرازی مجتهد است، حکمی بر اباحه و تجویز استعمال دخانیات صادر کند. در این بین میرزای آشتیانی و دیگر علماء، شاه و درباریان را به کلی مأیوس ساختند و قاطعانه گفتند که حکم میرزای بزرگ را جز خود او، شخص دیگری نمی‌تواند تغییر دهد. آنها همچنین اضافه کردند که «این کار اصلاح بر نمی‌دارد، باید متوقف شود... این امتیازات باید برگردد و تا برنگردد میرزا آرام نمی‌گیرد.»²³

در نتیجه آخرین حربه‌ی شاه و دربار، تشکیل جلسه‌ای با حضور دولتیان و علما بود. در این جلسه که افرادی نظیر میرزا حسن آشتیانی و شیخ‌هادی نجم‌آبادی حضور نداشتند، شاه خواستار حکم حلیت استعمال تنباکو شد که با پاسخ صریح حاضران مواجه گردید. در این میان امین‌السلطان راه دیگری در پیش گرفت و به علما وعده داد که اقداماتی جهت لغو امتیاز خواهد کرد و در برابر از آنان خواست که صریحاً استعمال دخانیات را مجاز اعلام کنند. 24 بدین ترتیب ناصرالدین‌شاه که از یک سو با اوضاع آشفته‌ی داخلی و از سوی دیگر با مخالفت‌های جدی مسئولان کمپانی و کارگزاران سفارت انگلیس روبه رو بود، در حالی که تنها دو هفته از صدور حکم تحریم می‌گذشت به الغای انحصار داخلی توتون و تنباکو پرداخت تا امین‌السلطان در جلسه‌ی دیگری با حضور علما، این خبر را اعلام نماید که از این پس انحصار داخلی لغو شده و مردم می‌توانند توتون و تنباکوی خود را آزادانه در داخل کشور خرید و فروش نمایند.

با لغو انحصار داخلی، علما در برابر اصرار امین‌السلطان اظهار داشتند که چون امتناع مردم از استعمال دخانیات مستند به حکم میرزای شیرازی است، تنها چاره‌ی کار مراجعه به وی و کسب اطلاع از نظر اوست. در واقع آنها ضمن رفع تکلیف از خود، به اصرار امین‌السلطان تلگرامی حاکی از لغو امتیاز داخلی پاسخ میرزای شیرازی ارسال کردند. دو هفته پس از اعلام لغو امتیاز داخلی، پاسخ میرزای شیرازی به تلگرام علما به تهران ارسال شد. او در این تلگرام ضمن تشکر از شاه به جهت لغو امتیاز، اظهار امیدواری کرده بود که دست‌های خارجی به کلی از ایران کوتاه شود. پاسخ مزبور که به هیچ وجه مقصود اصلی دولتیان را که خواهان صدور حکم حلیت استعمال تنباکو بودند، تأمین نمی‌کرد،²⁵ ادامه‌ی امتناع مردم از مصرف توتون و تنباکو را نیز در پی داشت.

دولت که میرزای آشتیانی را عامل ناآرامی می‌پنداشت از او خواست تا به منبر برود و حلال بودن

استعمال تنباکو را اعلام کند. شاه برای پایان دادن به اوضاع نامساعد، شدت عمل بیشتری نشان داد و از يك سو فرمان بازگشایی تمام قهوه‌خانه‌ها را صادر نمود و از سوی دیگر میرزای آشتیانی را در قلیان کشیدن در مجامع عمومی و یا خروج از دارالخلافه (تهران) مختار کرد.

میرزای آشتیانی نیز بی‌درنگ ترك تهران را بر مخالفت با حکم میرزای شیرازی ترجیح داد و آماده‌ی حرکت شد. 26

در سوم جمادی‌الآخر 1309، مردم پس از آگاهی از تصمیم میرزای آشتیانی مبنی بر خروج از دارالخلافه در منزل وی در محله‌ی سنگلج اجتماع کردند و از آنجا به سمت میدان ارگ و کاخ گلستان رفتند. زنان پیشاپیش مردان خطاب به شاه فریاد می‌زدند و نگرانی خود را نسبت به بیرون کردن علما از شهر اعلام و تأکید می‌کردند که دولت قصد دارد دین آنها را از بین ببرد تا فرنگیان بر مردم سلطه یابند.

همچنین در این ایام زمزمه‌های جهاد علیه دستگاه نیز بالا گرفته بود و اعلامیه‌هایی بدین مضمون که «بر حسب حکم جناب حجت‌الاسلام، آقای شیرازی، اگر تا 48 ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود، یوم دوشنبه آتیه، جهاد است، مردم مهیا شوید.» بر در و دیوار شهرها نصب شده بود.

به هر روی پیشروی مردم، دربار را وحشت زده کرد و کوشش کامران میرزا نایب‌السلطنه برای آرام کردن مردم حاصلی نداشت. به طوری که وعده‌های او به نیابت از شاه که «فرنگی‌ها را بیرون می‌کنیم» و یا دستخط شاه خطاب به وی که اعلام می‌داشت، «امتیاز داخله را که برداشته بودیم، حال امتیاز از خارجه را هم برداشتیم و مردم مجبور در کشیدن قلیان نیستند تا حکم از جناب میرزای شیرازی برسد»، بی‌حاصل ماند. 27 بی‌نتیجه ما ندن وعده‌ها سبب شد که محمدعلی خان معین نظام، فرمان تیراندازی صادر کند و در این تیراندازی‌ها عده‌ای کشته شوند.

در پی این کشتار، میرزای آشتیانی از پذیرش هدایای شاه که برای دلجویی از او فرستاده بود، خودداری ورزید و مردم را به استقامت عاقلانه و اجتماع در مسجد جامع فراخواند. میرزای آشتیانی برای پایان گرفتن غائله سه پیشنهاد به مضمون پرداخت خون‌بهای مقتولین، مصونیت حاضران در تظاهرات و برچیدن بساط کلیه امتیازات خارجی را مطرح ساخت.

سرانجام شاه در پنجم جمادی‌الآخر 1309 برای اطمینان بیشتر در دستخطی به امین‌السلطان لغو کامل امتیاز را اعلام کرد تا وی به آگاهی علما و مردم برساند. ولی مخالفان آرام نگرفتند و عزل امین‌السلطان - که از نظر آنان حامی امتیاز بود - و لغو تمام قراردادهایی که با خارجی‌ان منعقد شده بود را خواستار شدند. 28

بدین ترتیب در نتیجه‌ی لغو امتیاز تنباکو، حکم تحریم تنباکو نیز پس از 55 روز از سوی علماء لغو شد. البته در این بین کارگزاران خارجی که تلاش‌های خود را بی‌ثمر می‌دیدند، به ادعای خسارت پرداختند و خواستار 60 هزار لیره غرامت از دولت ایران گردیدند که در نهایت توافق بر سر مبلغ 50 هزار لیره حاصل گردید. بدین منظور شاه از بانک‌شاهنشاهی که در دست انگلیسی‌ها بود، مبلغ فوق را به عنوان وام دریافت کرد و يك بار دیگر وابستگی ایران را به بیگانگان تشدید نمود.

پیامدهای جنبش تنباکو

اگر چه در ظاهر لغو اعطای امتیاز تنباکو، موجب پرداخت غرامت و خسارت از سوی دولت ایران به طرف انگلیسی شد، با این حال خسارتی که ایران پرداخت کرد، در برابر خسارات ناشی از اجرای قرارداد، ناچیز به شمار می‌آمد. به هر روی نهضت تنباکو پیامدهای مهمی نظیر استبدادگریزی، مقابله با استیلا بیگانه، حضور زنان در صحنه‌ی مبارزه، همگانی بودن نهضت، اتحاد گروه‌ها و اصناف مختلف و ... را در پی داشت که اگر به آنها مقاومت مردمی، ضرورت التزام به احکام دین، رعایت حکم مرجع

تقلید و پذیرش فراخوان علما برای مقاومت را نیز اضافه نمایم، نتایج مثبت آن را در عرصه‌های بعدی تاریخ ایران مشاهده خواهیم نمود.

در واقع جنبش تنباکو اولین مقاومت همگانی مردم ایران در برابر بیگانگان و استبداد شاهي بود که بر حوادث و رویدادهای پس از خود تأثیر بسیار نهاد. 29 در این بین فتوای تاریخ‌ساز میرزای شیرازی، ضمن جلوگیری از حراج ایران، نخستین جنبش گسترده مردمی علیه سلطه خارجی را شکل داد و تأثیرات به‌سزایی در تحولات بعدی ایران گذاشت. 30 چرا که از آن پس ایرانیان دریافتند که پیروزی بر شاه و بیگانگان امری ممکن است.

نکته‌ی فوق را شهید مدرس نیز به درستی دریافته و درباره‌ی جنبش چنین اظهار نظر نموده بود: «این واقعه تاریخی، نظام سلطنت را سست و از اقتدار انداخت... استبداد سلطنتی در ایران بدون توجه به واقعه دخانیه، به مشروطیت نمی‌رسید... واقعه دخانیه تویی بود که سحرگاه مردم تیزهوش خفته را بیدار کرد و به طور طبیعی از زلزله شدیدی که متعاقب آن بایستی به وقوع بپیوندد، باخبرشان نمود.»

31

همچنین تحریم تنباکو نمونه دیگری از نگرش جامع‌نگرانه به دین اسلام بود که از اتحاد و همبستگی مردم با روحانیت نشئت می‌گرفت. زیرا مردمی که تا آن زمان هرگز در اوامر سلطان چون و چرا نمی‌کردند و یارای چنین کاری را نداشتند، در این جهاد ملی به دستور پیشوای مذهبی خود، میرزای شیرازی شرکت کردند و نهضت تنباکو را به اعتراضی نسبت به تمام امتیازاتی که تا آن هنگام به کمپانی‌ها و شرکت‌های خارجی داده شده بود، مبدل کردند.

امام خمینی (ره) که خود به عنوان مرجعی بزرگ، رهبری حرکت عظیم انقلاب اسلامی را بر عهده داشت، مسئله‌ی در هم تنیدن روحانیت و مردم و فتوای تاریخی میرزای شیرازی را چنین بیان نموده است: «آن مرحوم که در سامره تنباکو را تحریم کرد، برای این که ایران را تقریباً در اسارت گرفته بودند به واسطه قرارداد تنباکو، ایشان يك سطر نوشتند که تنباکو حرام است. حتی بستگان خود آن جائر (ناصرالدین‌شاه) و حرامسرای آن جائر ترتیب اثر دادند به آن فتوا و قلیانها را شکستند و در بعضی جاها تنباکوهایی که قیمت آن هم زیاد بود در میدان آوردند و آتش زدند و شکست دادند آن قرارداد را و لغو شد قرارداد و يك چنین چیزی و آنها دیدند که يك روحانی پیرمرد در کنج دهی از دهات عراق يك کلمه می‌نویسد و يك ملت قیام می‌کند و قراردادی که مابین شاه جائر و انگلیسی‌ها بوده است، به هم می‌زند و يك قدرت این طوری دارد او.» 32

نتیجه‌گیری

در فضایی که حکام ایران برای تهیه‌ی مبالغ هنگفت خوش‌گذرانی‌ها و سفرهای اروپایی خود، امتیازات بی‌شماری به بیگانگان می‌دادند و کشور را دچار نا امنی اقتصادی می‌کردند، روحانیون بزرگی نظیر میرزای شیرازی با این شیوه‌ی زمامداری به مقابله پرداخته و با برخورداری از حمایت عمومی، از اعطای امتیازهای گوناگون ممانعت به عمل آوردند.

جنبش تنباکو که نمونه‌ای موفقیت آمیز از يك حرکت عمومی در تاریخ معاصر ایران است، پیروزی خود را مرهون پیوند ویژه‌ی رهبران مذهبی و مردم بود. در واقع جنبش تنباکو که در نهایت به انقلاب مشروطه و امضای فرمان مشروطیت توسط مظفّرالدین شاه قاجار در سال 1285 هجری شمسی انجامید، يك بار دیگر پیوند دیرپای روحانیت اصیل و مردم را نشان داد. این پیوند که از يك سو پایه‌های مشروعیت سلطنت را متزلزل ساخته بود، از سوی دیگر اقتدار سیاسی روحانیت را نیز افزایش داد و روحانیت را به عنصر اصلی هدایت‌کننده مقاومت‌های مردمی علیه استعمار و استبداد مبدل کرد. به طوری که پس از فتوای آیت‌الله شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو، روحانیت در تمام امور اجتماعی و

سیاسی ایران نقش داشته است؛ که از آن جمله می‌توان به حضور روحانیت در نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت، مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مخالفت با لایحه کاپیتولاسیون، مخالفت با انقلاب سفید شاه و مردم، واقعه 15 خرداد 42، رهبری انقلاب اسلامی، حوادث پس از انقلاب و ... اشاره نمود.

بر این اساس نهضت تنباکو از يك سو سند گویایی بر رهبری روحانیت مبارز و مقاومت و همبستگی مردم متعهد این سرزمین در پاسداری از ارزش‌های اسلامی و دفاع از استقلال و آزادی است؛ و از سوی دیگر با ماهیتی ضد استعماری و همراه با انگیزه‌های اسلامی، نقش مهمی در تاریخ معاصر ایران و بیداری مردم این سرزمین ایفا نموده است.

شعبی بهمین

پی‌نوشت‌ها:

1. رحیم رئیس‌نیا، زمینه اقتصادی و اجتماعی مشروطیت ایران، تبریز، ابن سینا، 1352، صص 8-24.
2. نیکی آر کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم، 1377، صص 105.
3. ابراهیم تیموری، تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، کتاب‌های جیبی، 1361، صص 11-22.
4. در قرن 19 میلادی دولت‌های انگلیس و روسیه از روش‌های مختلفی مانند نفوذ در شخص شاه و صدر اعظم‌های وی، بازرگانی، گرفتن امتیازات، اعطای وام‌ها و تهدید برای اعمال نفوذ و گسترش سلطه خود در ایران بهره می‌بردند. در عصر ناصرالدین شاه عمده‌ترین امتیازات در ازای مبلغ ناچیزی به عنوان حق‌الامتیاز و با پرداخت رشوه به چند دولتمرد برای سال‌های متمادی اخذ می‌گردید. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رجوع کنید به: حسین بن علی اصفهانی کربلایی، تاریخ دخانیه، تصحیح رسول جعفریان، قم: الهادی، 1377، صص 62-65.
5. پیشین، ابراهیم تیموری، صص 27.
6. فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران 1864 - 1914، پژوهشی درباره‌ی امپریالیسم، ترجمه: منوچهر امیری، تهران، کتاب‌های جیبی، 1354، صص 232 - 233.
7. پیشین، ابراهیم تیموری، صص 39 - 40.
8. پیشین، حسین بن علی اصفهانی کربلایی، صص 68-71.
9. فریدون آدمیت، شورش بر امتیاز نامه‌ی رژی، تهران، 1360، صص 13.
10. ادوارد گرانوبل براون، انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه، تهران، 1338، صص 48.
11. پیشین، فریدون آدمیت، صص 18.
12. هما ناطق، بازرگانان در داد و ستد با بانک شاه‌ی و رژی تنباکو، تهران، 1373، صص 93.
13. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، قم: دفتر نشر معارف، 1382، صص 31.
14. کمپانی هند شرقی که زمینه‌های سلطه‌ی استعماری انگلیس بر شبه قاره‌ی هند را در طول نزدیک به یک و نیم قرن (1800-1947) فراهم کرده بود، علماً را نسبت به مقامات دولتی که عامل ورود اروپاییان به ایران و در دست گرفتن اقتصاد کشور بودند، بدبین می‌ساخت. همچنین رجوع کنید به: ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، 1362، ج1، صص 19.

15. غلامحسین زرگری‌نژاد، رسائل مشروطیت، تهران: کویر، 1377، ص 76.
16. پیشین، حسین‌بن علی اصفهانی کربلایی، صص 104 - 108.
17. پیشین، ابراهیم تیموری، صص 83 - 84.
18. محمدعلی بن محمدرضا سیاح، خاطرات حاج سیاح، دوره‌خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح و سیف‌الله گلکار، تهران، 1359، صص 329 - 331.
19. برای مطالعه بیشتر در مورد زندگی میرزای شیرزای رجوع کنید به: شرح زندگانی میرزای شیرازی، شیخ‌آقا بزرگ‌تهرانی، ترجمه حمید تیموری، تهران، میقات، 1362.
20. محمدرضا زنجانی، تحریم تنباکو، تهران، حسین مصدقی، 1333، صص 58 - 66.
21. پیشین، حسین‌بن علی اصفهانی کربلایی، صص 90 - 93.
22. همان، صص 117 - 118.
23. همان، صص 125 - 132.
24. پیشین، ناظم‌الاسلام کرمانی، ج 1، صص 22 - 23.
25. پیشین، حسین‌بن علی اصفهانی کربلایی، ص 150.
26. عباس میرزا قاجار (ملک‌آرا)، شرح حال عباس میرزا ملک‌آراء: برادر ناصرالدین شاه، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، 1361، صص 185 - 186.
27. ژوانس فووریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب، بی‌تا، 1363، صص 237 - 239.
28. پیشین حسین‌بن علی اصفهانی کربلایی، صص 172 - 173.
29. نمونه دیگر تأثیر آموزه‌های مکتب اقتصاد اسلامی بر حرکت‌ها و جنبش‌های انقلابی، مربوط به ایجاد يك بنگاه بخت‌آزمائی و یا قرعه‌کشی در ایران بود که در آن هم در جریان سومین مسافرت ناصرالدین‌شاه به اروپا در سال 1889 مطرح شد. اعطای حق ایجاد يك بنگاه بخت‌آزمایی و یا قرعه‌کشی در ایران، با مخالفت وسیعی رو به رو شد که بعضاً از طرف افراد متدینی صورت گرفت که قماربازی را به حسب دستورهای قرآن حرام می‌دانستند. در نهایت نیز شاه مجبور به لغو امتیاز مزبور گردید.
- برای مطالعه بیشتر در این خصوص رجوع کنید به نیکی کدی تحریم تنباکو در ایران ترجمه‌ی شاهرخ قائم‌مقامی، تهران، 1356.
30. جان فورن، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، 1377، ص 250.
31. موسی نجفی و رسول جعفریان، سده تحریم تنباکو، تهران، امیرکبیر، 1373، صص 134 - 139.
32. صحیفه نور، سخنرانی امام خمینی (ره) در مورخه 8/28

<http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewArticle&ArticleID=318>



[Return to Main Page](#)

History Site of Mirhadi hoseini

Teacher Training University

Tehran -IRAN